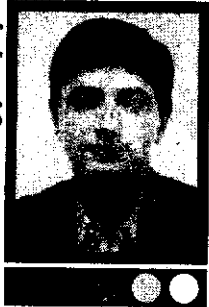


# بازی با کارت ایران در خزر؟!

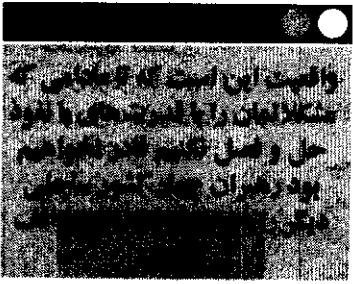
عارف واحد ناوان



در آمریکا با همتای خود در مورد چگونگی آموزش سربازان آذری توسط نظامیان آمریکایی و ایجاد پایگاههای این کشور در خاک آذربایجان گفتگو می کرد.

عجیب تر اینکه همزمان با ورود وزیران خارجه کشورهای ساحلی به مسکو، ریچارد آرمیتاژ معاون وزیر امور خارجه آمریکا که در کابینه بوش پدر نیز همین سمت را اما در وزارت دفاع برعهده داشت به یکباره وارد قفقاز شده و پس از دیپلاری از ارمنستان به جمهوری آذربایجان رفت تا بر سر چگونگی برگزاری مانور نظامی مشترک میان جمهوری آذربایجان و آمریکا در آب های خزر رایزنی کند.

اما داستان نشست مسکو به اینجا ختم نشد چرا که کمال خرازی و سرگئی لاوروف وزرای امور خارجه ایران و روسیه در بیانیه پایانی نشستی که صرفاً به منظور بررسی رژیم حقوقی خزر برگزار شده بود عمدتاً به موضوعاتی چون فشار آژانس بین المللی انرژی اتمی به ایران و چگونگی همکاری هسته ای مسکو و تهران و همچنین بحران عراق اشاره کردند تا خزر و عملاً بحث خزر آنهم در پایان نشست خزر به حاشیه رفت.



سرانجام کمال خرازی مسکو را به قصد تهران ترک کرد اما هنوز هوایمای حامل آقای وزیر روی باند فرودگاه نشستسته بود که وی اقدام آمریکایی ها در اشغال عراق و

کشتار مردم فلوجه را قویاً محکوم کرده و خواستار خروج فوری نیروهای اشغالگر از عراق گردید!! او سپس راهی اروپا شد. به هر حال این حقیقت تلخ را باید پذیرفت که ایران یک بار با مخالفت آمریکائیکها طلایی ترین فرصت را در حوزه قفقاز و آسیای میانه به رقیب ترک واگذار کرد. آنکارا با حمایت های واشنگتن در سال ۱۹۹۹ موفق به تایید و اجرایی کردن پروژه خط لوله نفتی باکو - تفلیس - جیپهان شد. این در حالی است که کارشناسان سیاسی و اقتصادی معتقدند مسیر ایران ارزاترین و اقتصادی ترین راه برای انتقال نفت خزر به بازارهای جهانی می باشد. اکنون بازی جبر دیگری در حال رقم خوردن است. تیرگی روابط تهران - واشنگتن فرصتی ... ای برخی جمهوریه به یژه آذربایجان فراهم کرد تا با

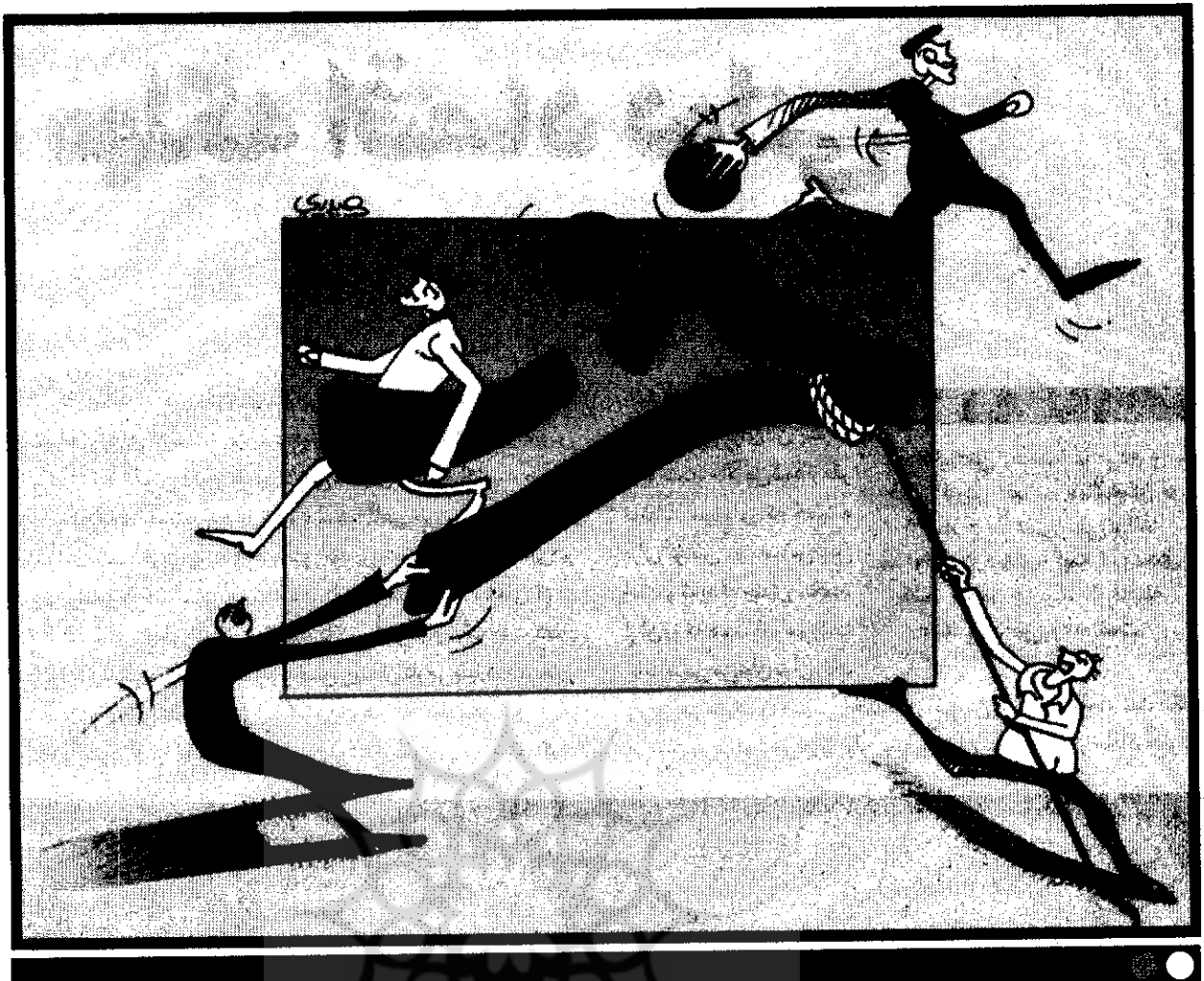
وزیر امور خارجه کشورمان این روزها بیشتر مسافرت می رود و کمتر می خندد! او ماه گذشته پس از بازگشت از سه کشور گرم آفریقایی (سنگال، نیجریه و غنا) کمتر از ۲۴ ساعت در تهران ماند و بعد به سرعت خود را به منطقه سرد روسیه رساند تا ششم ماه آوریل در نشست وزرای خارجه پنج کشور ساحلی خزر که به ابتکار روس ها در مسکو برگزار شد، حاضر شود.

او در کاخ پرزیدنت و در کنار همتایان روس، قزاق و ترکمن نشست اما صندلی وزیر خارجه جمهوری آذربایجان به دلیل عدم حضور وی در این نشست خالی بود! و این البته از دید مطبوعات روس پنهان نماند چنانچه روزنامه پرتیراژ "ورمیا نووستی" با تیتیر درشت چنین نوشت: "گروه پنج خزر حتی قادر به گردآوردن وزیران امور خارجه کشورهای ساحلی نیست." فراهم ساختن زمینه برگزاری دومین نشست سران پنج کشور ساحلی، مهم ترین هدف برگزاری نشست مسکو بود و این شاید تنها نتیجه مهمی بود که در این دور از گفتگوها گرفته شد.

در کاخ پرزیدنت درباره موضوعاتی همانند کنوانسیون محیط زیست، هواشناسی و کشتیرانی توافق هایی حاصل شد، اما وزرای امور خارجه چهار کشور و نماینده جمهوری آذربایجان هرگز درباره نحوه استفاده از بستر و سطح دریا، نگهداری منابع زنده، تعیین مرزها، مسایل امنیتی و مسایلی مانند ناوهای جنگی دیدگاههای مشترکی نداشتند.

اما آنچه در این میان مهم می نماید، پیشنهادات گروه کاری ایران به این نشست بود. پیشنهادهای ایران به جای اینکه حاوی فرمولی برای بدست آوردن سهمی حداقل ۲۰ درصدی از دریا برای تهران باشد، حول مسایل امنیتی همانند ایجاد مکانیسم منطقه ای تأمین امنیت دریای خزر از جمله ارتقای روزافزون صلح و ثبات در این دریا و جلوگیری از رقابت نظامی بود. وزیر امور خارجه ایران به صراحت خواستار عدم حضور بیگانگان در خزر شد.

عجیب اینکه صفر ای اف وزیر دفاع جمهوری آذربایجان در این



آذربایجان قراردادهای ۱۹۴۰-۱۹۲۱ را روح مرده نامیده، صفر مراد نیازف از دریای خزر به عنوان "دریای خون" نام برد، ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه کمتر از ۱۷ ساعت پس از پایان این نشست خود را به منطقه آستاراخان روسیه رسانده و برخلاف تصمیمی که در اجلاس عشق آباد گرفته شده بود دستور برگزاری بزرگترین مانور نظامی را در خزر صادر کرده و خود فرماندهی این مانور را برعهده گرفت!

نور سلطان نظر بایف که خیالش از بابت بدست آوردن ۲۹ درصد سهم خزر راحت بود کوشش کرد سکوت کند اما سیدمحمد خاتمی رئیس جمهوری کشورمان با بهانه قراردادن کمردرد خود با عصبانیت جلسه را ترک کرد تا ناکامی تهران بیش از این بر ملا نشود.

اکنون دو سال از این نشست می گذرد. این بار ایران میزبان است اما آیا در این نشست سران کشورهای ساحلی سناریوی عشق آباد را تکرار خواهند کرد؟

واقعیت این است که تا مادامی که مشکلاتمان را با قدرت های با نفوذ حل و فصل نکنیم قادر نخواهیم بود رهبران چهار کشور ساحلی دیگر را به حقوق حقه خود واقف نماییم.

بازی با کارت ایران نه تنها در مذاکراتی که مربوط به خزر می شود کژدار و مریز حضور یابند بلکه رهبران این جمهوریها را در نادیده گرفتن حقوق ملی ایران گستاخ تر کند.

دیگر زمان کوفتن بر طبل مخالفت با کشورهای با نفوذ به سر آمده است و به نظر می رسد با اندکی بازنگری در سیاست خارجی کشورمان حداقل در حوزه ای که منافع ملی مان ایجاب می کند می توانیم موازنه قدرت را به هم ریخته و در راه دستیابی به حداقل ۲۰ درصد از سهم این پهنه آبی در موقعیت مطلوبی قرار بگیریم.

نشست سران کشورهای ساحلی خزر در راه است این نشست قرار است در نیمه دوم سال جاری میلادی در تهران برگزار شود. گفته می شود حدود ۶۰ درصد مشکلات با رایزنی های گروه کاری پنج کشور ساحلی طی ۱۳ دور نشست حل و فصل شده است. اما ۴۰ درصد بعدی در واقع گره کوری است که گشودن آن از عهده گروه کاری و معاونان وزرای امور خارجه کشورهای ساحلی خارج است. این مهم به رهبران کشورها محول شده است. نشست، دو سال پیش رؤسای کشورهای ساحلی در عشق آباد تجربه تلخی در مورد رژیم حقوقی خزر بود. در آن نشست حیدرعلی اف رئیس جمهور سابق جمهوری